دختران، خواستگار قلابی را شناسایی کنند

رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران، از دستگیری مرد شیادی که با ترفند خواستگاری از دختران جوان تهرانی چهار میلیارد ریال کلاهبرداری کرده بود، خبر داد. به گزارش جام جم، سرهنگ قاسم دستخال در این باره گفت: متهم به نام سامان با خودروی جك مشکی رنگ و با عنوان کارخانه‌دار دختران جوان را فریب می‌داد. او با گرفتن طلای دختران فرار می‌کرد. گاهی نیز به بهانه پرداخت وام از آنها پول می‌گرفت و بعد رسید جعلی بانك به آنها می‌داد و تلفنش را خاموش می‌کرد. مسیرهای تردد خودروی متهم مورد بررسی‌های پلیس قرار گرفت و دستگیر شد و در پایگاه سوم پلیس آگاهی به ۲۵ فقره کلاهبرداری اعتراف کرد. با توجه به دستگیری متهم و اعتراف صریح وی به جرم خود، بازپرس پرونده باتوجه به گسترده بودن جرایم این متهم، دستور انتشار تصویر بدون پوشش سامان را صادر و از دخترانی که در دام وی گرفتار شده‌اند، خواست به دادسرای ناحیه ۳۴ یا پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند.

پشت صحنه یک جنایت

گفت‌وگو با پسر جوانی که مادرش را کشت

مادرم حتی به خوابم هم نمی‌آید

محمد غمخوار
دبیر حوادث

این‌که روز مادر، با پسری گفت‌وگو کنی که مادرش را به طرز هولناکی کشته، شاید یکی از سختی‌های خبرنگاری در حوزه حوادث باشد. در روزی که همه به‌دنبال تجلیل از مقام مادر هستند، باید روبه‌روی پسر ۲۱ ساله‌ای می‌نشستم که مادرش را کشته و حالا در حسرت یک نگاه پر از مهر مادر است. عمق این جنایت وقتی مشخص می‌شود که می‌فهمم، خواهرش نیز شاهد تقلاهای مادر برای فرار از مرگ بوده و هیچ کمکی به او نکرده است.

ماجرای این جنایت به عصر یکی از روزهای گرم تیر ماه امسال برمی‌گردد. پسر جوانی با صدای لرزان با اورژانس تماس گرفت و درخواست کمک کرد. دقایقی بعد امدادگران اورژانس وقتی در خانه مورد نظر حاضر شدند با پیکر بی‌جان زنی روبه‌رو شدند که دور گردنش رد کبودی دیده می‌شد. در ادامه ماجرا به پلیس اطلاع داده شد و با حضور کارآگاهان پلیس آگاهی البرز، تحقیقات برای رازگشایی از قتل این زن آغاز شد. پسر جوان به نام مهران در بازجویی‌ها به قتل مادرش اعتراف کرد و گفت: امروز با مادرم درگیر شدم و در یک لحظه کنترلم را از دست دادم و با روسری و دست او را خفه کردم. من به دختری علاقه داشتم و مادرم مخالف ارتباطم با آن دختر بود و می‌گفت او معتاد است.

در ادامه تحقیقات مشخص شد، خواهرش نیز در زمان قتل در خانه حضور داشته و شاهد قتل مادرش بوده اما به‌خاطر کینه‌ای که از مادر داشته هیچ کمکی به او نکرده بود. ماموران از دختر مورد علاقه قاتل هم تحقیق کردند که او منکر اطلاع از ماجرای قتل شد و گفت: من نمی‌دانستم، او می‌خواهد مادرش را به قتل برساند. روز حادثه نزد من بود و وقتی به خانه رفت، فیلمی برای من فرستاد که در آن مادرش در حال نماز خواندن است و او تهدیدش می‌کند.

هفت ماه پس از این جنایت تلخ، خواهر و برادر، صحنه قتل مادر را بازسازی کرده و به تشریح روز جنایت پرداختند. پس از بازسازی صحنه قتل، بازپرس جنایی پرونده دستور داد، دختر جوان تحویل بهزیستی شود و قاتل هم به زندان بازگشت. در حاشیه بازسازی صحنه قتل، فرصتی دست داد تا با پسر جوان گفت‌وگویی انجام دهیم و دکتر میرحامد خانی، جرم‌شناس و استاد دانشگاه در یادداشتی ریشه‌های وقوع این جنایت و راه‌های پیشگیری از آن را بررسی و تشریح کرد.

غلط کردم، دوست دارم به خانه برگردم

گرمکن ورزشی تنش است و آرام و خونسرد روبه‌رویم می‌نشیند به پرسش‌ها پاسخ می‌دهد و مشکلی برای بازگو کردن روز قتل ندارد. هنوز به حال و هوای زندان عادت نکرده و امید دارد که زودتر با رضایت اولیای دم مادرش، آزاد شود. حرف‌هایش با روزهای اول دستگیری‌اش کمی فرق کرده و سعی می‌کند کار خود را توجیه کند.

چرا مادرت را کشتی؟

هر جوانی نیاز به خوش‌گذرانی و عشق‌وحال دارد. مادرم این امکان را از من و خواهرم گرفته بود. ما به خواست خودمان زندگی نمی‌کردیم، همه چیز طبق رفتار او بود. هر طور که مادرم می‌خواست زندگی می‌کردیم.

تعریفت از عشق و حال چیه؟

قلیون کشیدن، بیرون رفتن با ماشین، تا دیر وقت بیرون بودن.

چرا مادرت مخالف بود؟

می‌خواست آن‌طور که خودش دوست داشت ما رفتار کنیم. من بزرگ شده بودم بچه که نبودم.

اما در بازجویی‌ها گفته بودی مادرت مخالف ارتباط تو با دختر مورد علاقه‌ات بود.

ماجرای آن دختر چند ماه قبل، تمام شده بود. دیگر ارتباطی با او نداشتم.

رابطه‌تان با پدرت چطور بود؟

او هم سمت مادرم بود و از او حمایت می‌کرد. در خانواده ما، من و خواهرم یک جبهه بودیم و پدر و مادرم جبهه مقابل ما بودند.

روز حادثه چه اتفاقی افتاد؟

از این وضعیت خسته شده بودم، یک لحظه صحنه سختگیری‌های مادرم و محدودیت‌هایی که درست کرده بود، جلوی چشمانم آمد. سمت او رفتم. خواب بود و بیدارش کردم. گفتم نمی‌خواهی توبه کنی و دست از این رفتارت برداری و ما را اذیت نکنی؟ عصبانی شد و با هم درگیر شدیم. چاقو و چوب داشتیم. دستم با ضربه چاقو زخمی شد. متوجه نبودم چه کار می‌کنم. اول روسری را دور گردنش گره زدم و بعد با دست گلویش را فشار دادم. وقتی به خودم آمدم، دیدم روی زمین افتاده و نفس نمی‌کشد.

خواهرت برای نجات مادرتان کاری نکرد؟

او خواب بود وقتی بیدار شد و آن صحنه را دید، گریه کرد.

بعد چه‌کار کردی؟

با پدرم تماس گرفتم و گفتم به خانه بیا مامان را کشتم. او باور نمی‌کرد. به‌همین خاطر به همسایه‌مان گفتم و خواستم به پدرم بگوید قضیه واقعی است. بعدش هم به اورژانس و پلیس زنگ زدم.

پیش از این هم با مادرت درگیری داشتی؟

قبلا من کتک می‌خوردم و صدایم درنمی‌آمد.

بچه نبودی که کتک بخوری.

اما می‌خوردم.

پشیمان نیستی؟

به غلط کردن افتادم. کاش زنده بود و باز هم گیر می‌داد. اشتباه کردم. یک لحظه عصبانی شدم.

در زندان چه کار می‌کنی؟

زندگی‌ام شده یک تخت.

ملاقاتی داری؟

نه.

در این مدت خواهرت را ندیدی؟

بعد از هفت ماه او را موقع بازسازی صحنه قتل دیدم.

خواهرت هم زندانی است؟

نه چند وقت پیش آزاد شد.

در این مدت با پدرت صحبت کردی؟

یک‌بار زنگ زدم وقتی فهمید منم، گوشی را قطع کرد.

خواب مادرت را ندیدی؟

نه. اصلا به خوابم نیامده.

چقدر درس خواندی؟

تا دیپلم.

چرا ادامه ندادی؟

کنکور دادم و دانشگاه دولتی قبول شدم اما به خاطر یک تجدیدی نتوانستم ثبت‌نام کنم. به همین خاطر درس را کنار گذاشتم و سرکار رفتم.

آرزویت؟

پدرم مرا قبول کند و برگردم پیش او. من قبول دارم اشتباه کردم اما همه چیز در یک لحظه رخ داد. تمام صحنه آزار و اذیت مادرم یک دفعه مقابل چشمانم آمد.

هیجانات جوانی و استقلال‌طلبی، ریشه قتل مادر

دکتر میرحامد خانی
جرم‌شناس

در این پرونده متهم به قتل از سن نوجوانی عبور کرده و وارد سن جوانی شده است. در حوزه جرم‌شناسی در این گروه سنی، برخلاف مجرمان حرفه‌ای شاهد طرح و نقشه قبلی برای ارتکاب جرم نیستیم. به این علت که این افراد تقریبا در این سن سرشار از استقلال‌طلبی هستند.

وقتی فردی هنوز به سن بلوغ نرسیده کاملا تحت سلطه والدین قرار دارد و خودش هم دوست دارد تحت سلطه باشد. بعد از آن تا سن نوجوانی استقلال‌طلبی همراه با پذیرش ریسک‌های کوچک را به‌عهده می‌گیرد. عمدتا نمی‌خواهد وارد مراحل خاص یا استقلال‌طلبی خاصی شود، مثل این‌که تقاضای شغلی یا مسافرت طولانی مدت داشته باشد. اما کمی وارد ناسازگاری‌هایی می‌شود. اما وقتی مانند متهم مورد نظر ما وارد سن جوانی می‌شود شاهد استقلال‌طلبی او به طور کامل هستیم. به خاطر همین این فرد درک درستی از شرایطش و شرایط جامعه ندارد و دنبال استقلال‌طلبی است. اولین آسیب استقلال‌طلبی این است که طرف می‌خواهد خودش تجربه یکسری اتفاقات را به دست بیاورد و حاضر نیست از تجربه دیگران استفاده کند. به همین دلیل درک شرایط این‌که فرزند دوران طفولیت و نوجوانی را گذرانده و وارد مرحله جوانی شده برای والدین بسیار حائز اهمیت است. حال عدم این درک متقابل می‌تواند باعث اتفاقات ناگواری شود که یکی از این اتفاقات را در این پرونده شاهد بودیم.

اما رفتارهای مجرمان در سن جوانی چه ویژگی‌هایی دارد؟ همان‌طور که گفتم این فعل مجرمانه ناشی از استقلال‌طلبی است. جوان می‌گوید من خودم درک دارم خودم متوجه می‌شوم و هیچ‌کس نباید به من توصیه و نصیحت کند. حالا که می‌خواهید مدام به من نصیحت کنید من پرخاشگر می‌شوم و مقابله می‌کنم. اگر چاشنی این موضوعات، گروه دوستان و افرادی که جوان با آنها ارتباط دارد بشود، پرخاشگری با انگیزه‌های بیرونی برای این فرد همراه می‌شود. در این پرونده هم شاهد هستیم، این فرد با زنی ارتباط داشته که مادر را سد این ارتباط می‌دیده و این موضوع یک عامل خارجی برای تحریک او برای یک اتفاق نابهنجار، لحظه‌ای و هیجانی می‌شود. توجه داشته باشیم که عمدتا پرخاش‌های جوانان و بزهکاری‌های آنها، هیجانی است. یک لحظه تصمیم گرفته می‌شود بدون این‌که تفکری پشت آن باشد، سریع دست به کار می‌شوند و فوری نتیجه را می‌خواهند. جوان به کارش و نتیجه آن فکر نمی‌کند. جوان است، قدرت و توانایی زیادی دارد و ریسک‌پذیری‌اش هم در اوج است و این اتفاق را رقم می‌زند. در این پرونده، ویژگی‌هایی ناشی از استقلال‌طلبی، عدم درک شرایط و رفتارهای هیجانی باعث شده فرد مرتکب قتل مادرش شود. اما در این پرونده شاهد هستیم در کنار محرک‌هایی که به آن اشاره کردیم، خواهر نیز در کنار برادر قرار گرفته و خودش یک عامل محرک شده است. به نظر می‌رسد این خواهر و برادر تحت تاثیر رفتارهای هیجانی و شرایط سنی‌شان اقدام به این کار کرده‌اند و اقدام مجرمانه یکدیگر را پوشش داده‌اند.

نکته مهمی که در این ماجرا وجود دارد اظهار پشیمانی و ندامت متهم است که این شرایط می‌تواند اتفاقات دیگر مثل آسیب‌زدن به خود یا عوامل بیرونی محرک را همراه داشته باشد. این واکنش متهم در اغلب پرونده‌هایی که جوان به‌خاطر رفتارهای هیجانی مرتکب جرمی مثل قتل می‌شود، دیده می‌شود.

اما راهکار چیست؟ مهم‌ترین موضوع درک متقابل از شرایط سنی فرزند است که والدین باید به آن توجه ویژه‌ای داشته باشند. درک متقابل به معنای رفع نیازهای فرد نیست که هرچه می‌خواهد برایش مهیا شود. درک متقابل یعنی نیازها را و عدم نیازها را توجیه کنیم. مقابل این مساله قرار نگیریم، در کنار جوان قرار بگیریم. این مشکلی است که برای جوانی پیش آمده، باید با او صحبت کنیم و در فضایی آرام و منطقی موضوع را تشریح کنیم و راهکار مناسب را مقابلش قرار دهیم. اگر مانند این پرونده با طرف مقابل فرزندشان مشکل دارند، به پسر یا دختر خود بگویند که ارتباط با این فرد چه خطراتی دارد و حتی بروند سراغ او و ببینند که چه کسی است و چه شرایطی دارد.

درخصوص مجازات این فرد هم در قانون مجازات برای افراد نابالغ و زیر ۱۸ سال، تقریبا مسؤولیت کیفری را قلمداد نمی‌کنیم اما این فرد ۲۱ ساله است و مسؤولیت دارد و اگر اولیای دم رضایت ندهند مجازات قصاص در انتظارش است. اگر رضایت دهند نیز از جنبه عمومی جرم برای او ۳ تا ۱۰ سال حبس درنظر گرفته می‌شود. حال اینجا نهادهایی که وظیفه مراقبت از زندانی را دارند به‌خصوص در چنین قتل‌هایی باید خیلی مراقب باشند فرد به دلیل پشیمانی به خودش آسیبی وارد نکند.

سرقت ۵۰ میلیونی از حساب پیرزن با تغییر چهره

دختر جوان بعد از بیهوش کردن پیرزن با کمک مرد گریمور تغییر چهره داد و با جا زدن خود به جای پیرزن، ۵۰ میلیون تومان از حسابش سرقت کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، هفته گذشته زن سالخورده‌ای همراه پسرش با حضور در دادسرای ناحیه ۳۴ تهران از دختر جوانی که خدمتکار و پرستار خانگی‌اش بود به اتهام سرقت شکایت کرد.

پس از این شکایت با دستور قضایی، پرونده به پلیس آگاهی تهران ارسال شد. شاکی در تحقیقات گفت: فرزندانم مدتی بود برایم پرستار خانگی گرفته بودند. او دختر جوانی به نام شیوا بود که به کارهای خانه‌ام هم رسیدگی می‌کرد.

یک روز متوجه شدم که انگشتر عتیقه‌ام که بعد از سه نسل به من رسیده و قیمتی بود در خانه‌مان ناپدید شده و به او مشکوک شدم.

شاکی ادامه داد: او زیر بار نرفت و سرانجام اخراجش کردیم. وسایلش در خانه‌ام جا مانده بود. یک روز آمد آنها را ببرد و برایم قرمه‌سبزی پخت و چایی برایم آورد تا از او دلخور نباشم. بعد از آن‌که چای و غذا را خوردم بیهوش شدم، وقتی چشمانم را بازکردم چهار روز گذشته و در بیمارستان بودم. طلا، دلار و سکه و اموال قیمتی خانه که ۳۵۰ میلیون تومان ارزش داشت همراه مدارک هویتی و دفترچه حسابم سرقت شده بود.

ماموران برای دستگیری متهم زن به خانه اجاره‌ای‌اش رفتند که آنجا را ترک کرده بود. در ادامه پی بردند که ۵۰ میلیون تومان از دفترچه شاکی برداشت شده است. وقتی دوربین‌های آنجا را بازبینی کردند، مشاهده کردند یک پیرزن پول‌ها را برداشته است.

با بررسی بیشتر اطمینان یافتند او باید همان پرستار خانگی سارق باشد. سرانجام دو روز پیش متهم فراری در شمال کشور شناسایی و بازداشت شد.

دختر سارق بعد از ضد و نقیض‌گویی، اعتراف کرد و گفت: انگشتر عتیقه زن سالخورده گم شد و مرا مقصر می‌دانست، بعد از چند روز آن را یافت و برای برملا نشدن تهمتش مرا اخراج کرد که همین باعث کینه‌ام از وی شد. چندی پیش با پسری در اینستاگرام آشنا شده و در ارتباط بودم. او در ترکیه گریمور بود اما چندی قبل وقتی به ایران آمد، برای هواخواهی از دوستش و دختر مورد علاقه‌اش، چند نفر را زده و ۶ ماه زندانی شده بود.

بعد از این‌که از زندان آزاد شد با هم دوست شدیم. روز سرقت به خانه پیرزن رفتم و چای و قرمه‌سبزی مسموم برایش درست کردم که خورد و بیهوش شد و بعد هرچه طلا، سکه و اموال عتیقه قیمتی داشت همراه شناسنامه، کارت ملی و دفترچه حسابش را سرقت کردم.

وی افزود: چند روز بعد به بهانه این‌که می‌خواهم دوستم را در جشن تولدش غافلگیر کنم، از مرد گریمور خواستم مرا به شکل پیرزنی گریم کند.

بعد از گریم راهی بانک شده و خودم را به جای پیرزن جا زده و ۵۰ میلیون تومان از حسابش برداشت کردم. با این پول بدهی‌هایم را پرداختم و با فروش طلاها و بقیه اموال دزدی خودروی گرانقیمتی خریدم.

بازپرس کشیک وقت دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: برای متهم زن قرار قانونی صادر شد و تحقیقات از او برای رازگشایی از دیگر جرایم احتمالی‌اش ادامه دارد.

دزدی سنگ‌های قدیمی از مرد کارشناس

دوستان قدیمی که سنگ‌های قیمتی سه میلیارد تومانی را سرقت کرده بودند، بازداشت شدند.

به گزارش جام‌جم، اوایل دی امسال مردی به پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران رفت و از سه مرد به اتهام زورگیری شکایت کرد. با تحقیق از شاکی معلوم شد که او در کار خرید و فروش سنگ‌های قیمتی بوده تا این‌که فردی از وی خواسته سنگ‌هایش را بیاورد تا آن را ببیند که قبول کرده و به محل قرار رفته که در آنجا سه مرد با چاقو به وی حمله کردند و گوشی تلفن همراه او و سنگ‌های قیمتی‌اش که سه میلیارد تومان ارزش داشته را سرقت کرده‌اند. در جریان تحقیقات رد دو نفر از متهمان که سابقه سرقت، شرارت و کلاهبرداری داشتند به دست آمد. در ادامه این دو متهم بازداشت شدند. در بازرسی از مخفیگاه آنها تعدادی از سنگ‌های قیمتی سرقتی کشف شد. با تحقیق از متهمان معلوم شد که دوست‌شان ماجرای این سنگ فروش قیمتی را برای‌شان تعریف کرده و در ادامه وسوسه شدند و سنگ‌های قیمتی شاکی را دزدیده‌اند. تحقیقات برای دستگیری متهم سوم و کشف بقیه سنگ‌های قیمتی ادامه دارد.

کوتاه از حوادث

دختر ۱۳ساله آبادانی با شلیک گلوله افراد ناشناس به قتل رسید. شامگاه سه‌شنبه دختر ۱۳ساله‌ای به نام شیدا در روستای خرخره آبادان مورد حمله مرگبار مردان ناشناس قرار گرفت. مردان ناشناس با اسلحه کلاشینکف به سمت شیدا شلیک کرده و پا به فرار گذاشتند. وی از ناحیه پهلو مصدوم و دچار خونریزی شدید شد. خانواده‌اش او را به بیمارستان رساندند که به علت جراحت شدید در اتاق عمل جان‌باخت. به‌گفته پلیس آبادان، علت تیراندازی و کشته‌شدن دختر ۱۳ساله آبادانی در دست بررسی است و هنوز رد و نشانی از ضاربان در دست نیست.

مرد ۲۱ ساله‌ای که دایی و دختردایی خود را با کلت کمری به قتل رسانده بود، دستگیر شد. این جوان، تبعه یکی از کشورهای خارجی و ساکن بندرعباس بوده است. او پس از درگیری لفظی، مرد ۵۵ ساله و دختر ۲۲ساله‌ای را در منطقه کمربندی بندرعباس کشت و راهی ایرانشهر شد تا به سمت پاکستان بگریزد. براساس اعلام پلیس آگاهی هرمزگان، کارآگاهان ویژه اداره آگاهی هرمزگان رد این قاتل را گرفتند و وی را همراه نامزدش در یکی از خیابان‌های ایرانشهر به دام انداختند.

سارق احشام و قاتل فراری در بروجرد شناسایی و دستگیر شد. با اطلاع پلیس در مورد سرقت احشام توسط یک سارق و قاتل فراری در اطراف شهر بروجرد موضوع به‌صورت ویژه در دستور کار ماموران این شهرستان قرار گرفت. ماموران با انجام کارهای اطلاعاتی و تشکیل اکیپ‌های ویژه سارق را در بروجرد شناسایی و در مخفیگاه دستگیر کردند. سارق به جرم خود اعتراف و ۴۵ راس گوسفند سرقتی، سه قبضه سلاح جنگی و ۴۲ عدد فشنگ جنگی و ۷ عدد فشنگ سلاح شکاری از وی کشف شد.

عامل فروش دستگاه‌های فلزیاب غیرمجاز در شبکه‌های مجازی بازداشت شد. ماموران پلیس فتا هنگام رصد فضای مجازی به اطلاعاتی دست یافتندکه نشان می‌داد فردی دستگاه فلزیاب و ردیاب برای حفاری‌های غیرمجاز را به جویندگان گنج می‌فروشد که تحت‌تعقیب پلیس قرار گرفت. سرانجام متهم با همکاری یگان حفاظت میراث‌فرهنگی و نیروی انتظامی شهرستان بستان‌آباد، در ویلایش شناسایی و بازداشت شد. از او دستگاه‌های فلزیاب و ردیاب کشف شد. او همچنین اقدام به برگزاری کلاس آموزشی و فروش دستگاه‌های فلزیاب و ردیاب از طریق صفحه‌ای مشخص در یکی از شبکه‌های اجتماعی کرده بود .

مرد جوانی پس از قتل همسر و فرزندش به زندگی خود پایان داد. فردی با پلیس شهر یزد تماس گرفت و اطلاع داد که جنایتی در خانه یکی از همسایگانش رخ داده است. ماموران به خانه مورد نظر در حاشیه شهر اعزام شده و با جسد مرد ۲۹ ساله، زن جوان و فرزندشان روبه‌رو شدند. در جریان تحقیقات مشخص شد مرد خانواده در پی مشکلات خانوادگی زن و بچه‌اش را کشته و سپس خودکشی کرده است.

زنی همراه دو فرزندش بر اثر نشست گاز منواکسیدکربن در خانه‌شان دچار گازگرفتگی شد وفوت کردند. این حادثه به ماموران کلانتری ۱۲ پیروزی شهرستان دامغان گزارش شد. ماموران برای بررسی موضوع به محل حادثه در مسکن مهر این شهرستان اعزام و با جسد زن ۴۰ ساله و دختران ۱۰ و ۱۷ ساله خانواده روبه‌رو شدند که همگی براثر گازگرفتگی فوت شده بودند.

هکر ۱۶ساله که اقدام به طراحی ماهرانه سایت برنامه آموزشی در فضای مجازی و دریافت سؤالات امتحانی کرده بود، بازداشت شد. مدیر یکی از دبیرستان‌های شهر هشتگرد شکایتی در پلیس فتا مبنی بر هک شدن سایت این دبیرستان و دسترسی به سؤالات امتحانی دانش‌آموزان را مطرح کرد. ماموران پلیس فتا تحقیقات در این باره را ادامه دادند تا این‌که عامل هک سایت آموزشی که پسری ۱۶ ساله بود، بازداشت شد. در تحقیقات معلوم شد او با طراحی اکانت جعلی برنامه آموزشی و قبل از شروع امتحانات با معرفی خود به عنوان مدیر دبیرستان، سؤالات را از دبیران دریافت کرده و آنها را در سایت آموزشی بارگذاری کرده است. او انگیزه‌اش از این کار را سرگرمی و تسهیل در دستیابی دانش‌آموزان به سؤالات امتحانی عنوان کرد.

لیدر و برگزارکنندگان مسابقه جنگ سگ‌ها در گلوگاه مازندران بازداشت شدند. مسابقه جنگ سگ‌ها چند روز پیش در گلوگاه مازندران انجام شد که نمونه‌ای از حیوان‌آزاری است .عکس و فیلم این مسابقه درمیان کاربران فضای مجازی دست به دست و باعث خشم کاربران شده بود. بعد از انتشار فیلم این ماجرا پلیس فتا تحقیقات را در این باره ادامه داد تا این‌که چند لیدر و برگزارکننده این مسابقه که تحت‌تعقیب پلیس بودند، بازداشت شدند.